



زندگینامهء مختصرزنده یاد برهان الدین « برهان » و پیام تسلیت شورای افغانان
مقیم دنمارک که به وسیلهء عبدالفتاح سکندری عضو هیات
عامل آن شورا هنگام به خاک سپاری آن مرحوم
قرائت شد



زنده یاد برهان الدین « برهان »

دریغا میبرد امواج ایام

عزیزان را زما آرام آرام

چه دشوار است سخن گفتن در سوگ عزیزان ولی چاره چیست که گفته اند « کلید روزن مرگ برون از اختیار
آدمیان است . »

دوستان گرامی ! اجازه می‌خواهم چند حرفی در مورد دوست به جاودان پیوسته همه ماوشما زنده یاد څارنوال صاحب خدمت تان به عرض برسانم .

شادروان برهان الدین « برهان » حدود هشت دهه قبل از امروز در سال 1303 خورشیدی در قریه کمری کابل در خانواده با معرفتی چشم به جهان گشودند . از کودکی به مکتب رفتند و به دنبال آن تعلیمات شان را در دارالتحریر ادامه دادند . پس از پایان درس به خدمت زیر بیرق شتافتند و با انجام دادن مکلفیت عسکری به کار در ادارات دولتی پرداختند . اولین تجربه ماموریت زنده یاد برهان صاحب سال 1327 در مطبعه دولتی کابل بود که یکسال دوام کرد به دنبال آن ماموریت شانرا در بخشهای اداری وزارت داخله تا سال 1341 به سر رسانیدند . از سال 1342 به بعد به وزارت عدلیه آمده و در ارگانهای مختلف عدلی و قضایی به حیث څارنوال در ولایات مختلف از جمله جوزجان ، بلخ ، نیمروز ، وردک ، پکتیا ، ارزگان و بخشهای مختلف لوی څارنوالی ایفای وظیفه کرده اند تا اینکه در سال 1362 پارسیدن به آخرین رتبه ماموریت به اخذ تقاعد نایل آمدند . در مورد کار پاک و صادقانه زنده یاد برهان گواهی بهتر ازین چه میتواند باشد که بیشتر څارنوالان هنگام تبدیلی از ولایتی به ولایت دیگر پنهانی و بی سروصدا جا عوض میکردند اما برهان صاحب در هر تبدیلی شان از یک ولایت به ولایت دیگر به همه ابلاغ میکردند که به کار جدیدی در جای دیگری گماشته شده اند و با خدا حافظی و گرفتن دعای خیر مردم به کار جدید شان آغاز میکردند .

واما زندگی شخصی :

شادروان څارنوال صاحب با دختری از یک خانواده با علم و فضل پیوند زندگی بستند که ثمر آن هفت فرزند تحصیل کرده است . فضای خانوادگی ایشان مملو از صفا و صمیمیت بود ایشان نه تنها یک مرد خوب زندگی برای همسر و پدر خوب و مهربان برای فرزندان شان بودند بلکه یک یار و یاور و یک رفیق شفیق برای هر یک شان به شمار میرفتند .

زنده یاد برهان صاحب بمتابه شخصیتی که همواره خیر خواه خلق خدا بودند ، در تمامی دوران حیات شان سعی بر آن داشته اند که دست صمیمیت ، دوستی و محبت به سوی مردم دراز کنند . وی شادی و سرور شانرا در شادی و خرسندی دیگران و آبادی شانرا در آبادی دیگران جستجو میکردند . باور کامل وجود دارد که هر آنکه شناختی از مرحومی دارد با ما همنا خواهد بود که ایشان متصف به عالی ترین صفات انسانی بوده اند . هر بزرگی را احترام میگذاشتند و هر کوچکی مورد نوازششان بود . با همه برخورد صمیمانه داشتند و از بغض و کدورت و تعصب دور بودند .

زنده یاد برهان وابسته به هیچ حزب و جریان سیاسی نبودند . شاید هم غیر وابسته بودنشان به این دلیل بوده باشد که نمیخواستند ارتباطات شان محدود به گروه یا قشر خاصی از جامعه باشد . به هر حال ایشان هم مانند سایر هموطنان روزی ناگزیر به ترک خانه و کاشانه شده تن به غربت و مهاجرت دادند .

څارنوال صاحب مرحوم از اولین روزهای آمدنشان به دنمارک تا آنروزهاییکه صحت برای شان مجال میداد در جمع افغانان به سر برده و خود را شریک هر خیر و شر هموطنان میدانستند . ایشان بخاطر ایجاد فضای همدلی و یکرنگی بین افغانان در ایجاد شورای افغانان نقش فعال داشتند . در هر نشستی که حضور به هم میرسائیدند حاضران به همدلی و همسویی فرا میخواندند .

در مورد سجایای نیک شادروان برهان هرچه بگوییم کم است فقط در یک کلام شخصیتی بودند نیک بزرگ و نبود چنین شخصیتی خود ماتمیست بزرگ . این یک حقیقت است که برهان صاحب از لحاظ فیزیکی دیگر در میان ما نیست ولی به قول افصح المتکلمین سعدی شیرازی

سعدیا مرد نیکو نام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش به نیکویی نبرند

نام برهان صاحب با همه سجایای نیک انسانی شان همیشه جاوید و ماندگار است .

دوستان گرامی ! در پایان این مختصر میخوام به نیابت از شورای افغانان مقیم دنمارک مراتب تأثرات عمیق و تسلیت خویش را به فرزندان ارجمند آن شادروان ، خانواده و دوستان شان ابراز داشته از بارگاه ایزدی به مرحومی بهشت برین و به بازماندگانشان صبر جمیل آرزو کنم .